

مجله علوم تربیتی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۷
دوره‌ی چهارم، سال پانزدهم، شماره‌ی ۳
ص: ۳-۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۰۲/۰۱
تاریخ بررسی مقاله: ۸۷/۰۳/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۰۷/۱۸

بررسی اصول اساسی تربیت مدنی (با رویکرد اسلامی)

دکتر مسعود صفایی مقدم*

محمود کاظمی**

دکتر محمدجعفر پاک‌سرشت***

دکتر سید منصور مرعشی****

چکیده

"تربیت مدنی" مورد توجه روز افزون سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی است. در جامعه‌ی ایران نیز، با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفته از دوران مشروطیت به این سو، و بخصوص در دوران پس از انقلاب اسلامی، توجه به مقوله‌ی تربیت مدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. اما از آنجا که تحقق ایده‌های تربیتی در هر جامعه‌ای متضمن وجود شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب است لذا کشف زمینه‌های ذهنی و فرهنگی لازم برای تحقق آرمان‌های جامعه‌ی مدنی از کارهای مهمی است که در راستای تربیت مدنی در ایران باید صورت گیرد. بر این اساس، هدف

* دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، safaie_m@scu.ac.ir

** دانشجوی دوره‌ی دکتری تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز،

mdkazemy@yahoo.com

*** استاد دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، pakseresht@scu.ac.ir

**** استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، marashi_s@scu.ac.ir

عمده‌ی این پژوهش آن است که با کشف و بررسی معانی و جنبه‌های ارزشی و فرهنگی اصول جامعه‌ی مدنی، میزان تناسب و هماهنگی آنها با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه‌ی ایران معلوم گردد. بنابراین، چنانچه برای اصول تربیت مدنی و مفاهیم مدنیت خواهی و تربیت مدنی و جامعه‌ی مدنی محتوای ارزشی و دینی فائل باشیم، در آن صورت کشف معانی مندرج در این مفاهیم و تنظیم آنها به منظور ساخت یک ساختار بومی از ایده مدنیت خواهی و تربیت مدنی برای دست اندرکاران آموزش و پرورش ایران از اهمیت شایانی برخوردار خواهد بود. مهمترین اصولی که در این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند، عبارتند از: اصل احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، اصل احترام به قانون و قانون‌مداری، اصل احترام به حقوق شهروندی، اصل مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اصل استدلال و عقلانیت، اصل مدارا و تسامح، اصل گفتگو، اصل نقد و ارزیابی و اصل توجه به کثرت‌گرایی روشی. در پایان تأکید شده است که این اصول با ارزش‌ها و فلسفه‌ی حاکم بر جامعه‌ی ما که یک جامعه‌ی دینی است، تطابق و هماهنگی دارد و لذا سرمایه‌گذاری برای تربیت نسلی که به ارزش‌های مدنی معتقد بوده و در عمل پاسدار این ارزش‌ها باشد می‌تواند به عنوان یک توصیه‌ی دینی و آموزشی و پرورشی تلقی شود.

واژه‌های کلیدی: تربیت مدنی، جامعه‌ی مدنی، شهروندی، اصول تربیت مدنی

مقدمه

تعلیم و تربیت به سبب کارکردهای گوناگون علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود، همواره موضوعی مهم و ابزاری کارآمد برای رشد و توسعه‌ی همه جانبه ملت‌ها بوده است. یکی از کارکردها و رسالت‌های مهم این نهاد پرورش نسلی است که در ایفای نقش سازنده خود در حیات و تحولات اجتماعی جامعه خود از مهارت‌ها و بینش لازم برخوردار شده باشند. امروزه این رسالت اجتماعی بیش از پیش مورد اقبال قرار گرفته است. از این روست که تربیت شهروندانی که بتوانند به سهولت با نهادها و سازمان‌های گسترده و پیچیده‌ی سیاسی و اجتماعی در حال تحول، سازگاری فعال داشته باشند و در امور مهم سیاسی و اجتماعی خردمندانه شرکت کنند، امری است که به یکی از دل‌مشغولی‌های مهم سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی تبدیل شده است.

اگر چه شکل‌گیری و رشد شخصیت اجتماعی افراد منحصراً وابسته به تعلیم و تربیت رسمی نیست، لیکن باید گفت بخش اعظم رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، یا لاقلاً انتظار می‌رود که این نهاد بیشترین نقش را در فرایند اجتماعی شدن فرد ایفا نماید. پس چنانچه نظام‌های تعلیم و تربیت رسمی در صدد پاسخگویی به انتظارات و نیازهای اجتماعی شهروندان خود باشند، ناگزیرند ساز و کارهایی را ایجاد کنند تا از طریق آن بتوانند تربیت یافتگان خود را که به عنوان شهروندان جامعه محسوب می‌شوند به گونه‌ای تربیت کنند که به صورت موفقیت‌آمیز و خلّاقانه وظایف و تکالیف مدنی خود را به انجام رسانده و ضمناً به حقوق مدنی خود نیز واقف و آگاه باشند. از این جهت است که تربیت شهروندی به عنوان یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت، مورد اهمیت برنامه‌های نظام‌های آموزشی قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر، شرایط امروز جامعه‌ی ایران ایجاب می‌کند که مردم حضوری آگاهانه، مسئولانه و فعال در اداره امور جامعه خود داشته باشند. این بدان معناست که مردم باید به گونه‌ای تربیت شده باشند که توانایی‌ها و صلاحیت‌های لازم برای این مشارکت آگاهانه را پیدا کرده باشند. تربیت انسان‌هایی آگاه، مشارکت‌جو، حسّاس به مسائل جامعه، علاقه‌مند به تعامل و گفتگو مستلزم آن است که تعلیم و تربیت رسمی جامعه، اصول، اهداف، روش‌ها و محتوای نظام آموزشی خود را مورد بررسی، بازبینی و بازسازی قرار دهد و آنچه را که به نام "تربیت مدنی" یا "تربیت شهروندی" می‌نامیم، در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد. اما پذیرش ارزش‌ها و اصول "تربیت مدنی" از سوی نظام آموزش و پرورش ایران خود مستلزم آن است که در پی یک مطالعه بی‌طرفانه هماهنگی این ارزش‌ها و اصول با ارزش‌ها و اصول فرهنگی جامعه‌ی دینی ایران تأیید شده باشد. از دید نگارندگان، اسلام به عنوان یک مکتب فکری و اعتقادی آموزه‌های تربیتی عمیقی دارد که یا مستقیماً می‌توان آنها را در زمره اصول تربیت مدنی به حساب آورد، یا زمینه‌ساز تحقق دیدگاهی دانست که آن دیدگاه نگاهی کاملاً مثبت به تربیت مدنی و آرمان‌های آن، از جمله جامعه‌ی مدنی دارد.

از آنجا که مفهوم "تربیت مدنی" متأثر از مفهوم "جامعه‌ی مدنی" است، در ابتدا به واکاوی مفهوم و عناصر اساسی جامعه‌ی مدنی پرداخته شود و سپس مفهوم تربیت مدنی یا شهروندی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مفهوم جامعه‌ی مدنی و سیر تحول آن

نگاهی به سیر تکوینی مفهوم جامعه‌ی مدنی، حکایت از آن دارد که این بحث ریشه در قرون گذشته دارد. واژه‌های مدنی^۱ و جامعه‌ی مدنی^۲ از دیرباز، یعنی از زمان ارسطو به کار رفته است. «جامعه‌ی مدنی» ترجمه‌ی لاتینی "Koinoia Politike" ارسطو است. ارسطو در بحث تجمعات انسانی، «دولت‌شهر»^۳ را در مقابل خانواده و دهکده، نقطه‌ی کمال و غایت جوامع دیگر می‌دانست. او معتقد بود خانواده برای رفع و ارضای نیازهای زیستی و معیشتی اعضایش به وجود می‌آید در حالی که شهر از لحاظ توانایی برآوردن نیازها (با اتکای به ذات) به غایت کمال رسیده و تجمعی برای «بهتر زیستن» است (عنایت، ۱۳۶۴، ص ۱۳). بنابراین، جامعه‌ی مدنی در مفهوم ارسطویی آن، تمایزی با دولت نداشته، در برابر خانواده قرار می‌گیرد و از لوازم اجتماع انسانی است که از گرد هم آمدن خانواده‌ها تشکیل می‌گردد. این مفهوم از جامعه‌ی مدنی، در اندیشه‌ی نظریه پردازان قرارداد اجتماعی نظیر «جان لاک»^۴ هم دیده می‌شود. در تفکر لاک نیز مفهوم جامعه‌ی مدنی مترادف با دولت است با این تفاوت که ارسطو آن را در برابر «خانواده» قرار داده، اما طرفداران قرارداد اجتماعی آن را در برابر «جامعه‌ی طبیعی» می‌نهند. از آنجا که جامعه‌ی مدنی بر اساس قرارداد میان انسانها وضع می‌شود، این جامعه را جامعه‌ی غیر طبیعی می‌دانند (کاپلستون، ۱۳۶۲، ص ۱۴۸).

نام دیگری که بر جامعه‌ی مدنی نهاده‌اند، جامعه‌ی متمدن است. جامعه‌ی مدنی وقتی که مترادف با جامعه‌ی متمدن به کار برده می‌شود، در تقابل با جامعه‌ی ابتدائی است. اولین کسی که این مفهوم را از جامعه‌ی مدنی ارائه داد «آدام فرگوسن»^۵ در کتاب «گفتاری در باره‌ی تاریخ جامعه‌ی مدنی» بود. در این مفهوم نیز جامعه‌ی مدنی حوزه‌ای متمایز از حوزه‌ی دولت لحاظ نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت تا قرن هیجده میلادی تمایزی میان مفهوم جامعه‌ی مدنی و دولت وجود نداشته است.

-
- 1- Civic
 - 2 - Civic Society
 - 3 - Polis
 - 4 - J. Lock
 - 5 - A. Fergosen

کاربرد جامعه‌ی مدنی به عنوان حوزه‌ی متمایز از دولت، در فلسفه‌ی سیاسی، برخلاف سایر مفاهیم جامعه‌ی مدنی بیانگر تفاوت اساسی و تطوری جدید در معنای این واژه است. خاستگاه این مفهوم، پس از فروپاشی دولت‌های مطلقه و پیدایش دولت‌های لیبرال، در غرب است. «تمییز مفهوم جامعه‌ی مدنی از مفهوم دولت، محصول اندیشه‌ی سیاسی قرن‌های ۱۸ و ۱۹ در غرب بود. چنین تمییزی واقعیت فروپاشی ساخت دولت مطلقه و پیدایش دولت لیبرال و حوزه‌ی بازار آزاد را منعکس می‌کرد. البته مظاهر اولیه و نطفه‌های جامعه‌ی مدنی در درون فئودالیت و قرون وسطی در اروپا وجود داشت» (بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۳۲۹).

جامعه‌ی مدنی به مفهوم حوزه‌ی متمایز از دولت، در اندیشه‌ی متفکرانی مانند هگل و مارکس نیز مطرح شده است. در فلسفه‌ی هگل جامعه‌ی مدنی در میان خانواده و دولت جا دارد، و به عنوان مرحله‌ی بعد از خانواده و قبل از دولت است. فرد از خانواده وارد جامعه‌ی مدنی شده و از جامعه‌ی مدنی به دولت می‌رسد. به عبارت دیگر، تکامل فرد در گذر از خانواده به جامعه‌ی مدنی و از جامعه‌ی مدنی به دولت است. در تعریف هگلی از جامعه‌ی مدنی، هر چند این جامعه به مفهوم دولت به کار نرفته، اما کاملاً هم در مقابل دولت نیست، بلکه مرحله‌ای قبل از دولت است که فرد با گذر از آن به دولت راه یافته و متکامل می‌گردد. بنا به گفته‌ی "هگل"^۱، جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی سازمان یافته و منظمی است که بر اساس نظام وابستگی متقابل بنا می‌شود و با ایجاد آن جامعه از حالت پاشیدگی و تفرقه در می‌آید، میان اجزای آن پیوندهای متقابل برقرار می‌شود و مجموعه‌ای از لایه‌ها و نهادهای اجتماعی رابطه شهروندان و دولت را تنظیم می‌کنند (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶). با وجود این، کسی که تمایز میان جامعه‌ی مدنی و دولت را به خوبی آشکار ساخت مارکس بود. در فلسفه‌ی مارکس جامعه‌ی مدنی به مفهوم حوزه‌ی روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت به کار رفته است (بشیریه، ۱۳۷۸، ص ۳۳۲).

"کارل مارکس"^۲ جامعه‌ی مدنی را به مفهوم حوزه‌ی روابط اقتصادی، یا روابط زیربنایی میان افراد و طبقات اجتماعی می‌داند و یا حوزه علائق خصوصی طبقات را در مقابل دولت

1 - Hegel

2 - Karl Marx

قرار می‌دهد. در نظر مارکس جامعه‌ی مدنی پایگاه طبیعی دولت است که فردیت، رقابت و منازعه بر آن حاکم است؛ یعنی همان جامعه‌ی بورژوازی که روبناهای حقوقی سیاسی در آن با کار اقتصادی بورژواها تأمین می‌شود (جهانگلو، ۱۳۷۵، ص ۴۸).

در حال حاضر مفهوم مصطلح و رایج جامعه‌ی مدنی، مفهومی است که بر اساس آن جامعه‌ی مدنی در مقابل دولت قرار می‌گیرد و به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از مداخله‌ی قدرت‌های سیاسی و شامل مجموعه‌ای از تشکلهای خصوصی و غیر خصوصی است که به قدرت وابسته نیستند، ولی به طور ارادی و اختیاری به وجود می‌آیند؛ بر خلاف دولت که برای تکمیل قدرت خود وابسته به قانون است. در این معنا، جامعه‌ی مدنی واسطه‌ای است میان فرد و خانواده از یک سو و دولت از سوی دیگر (خرمشاد، ۱۳۷۶، ص ۱۲). به عبارت دیگر، جامعه‌ی مدنی جامعه‌ای است که از خود هویت دارد و در هویت حاکمیت هضم نشده است و برای حفاظت از هویت خود نیز تدابیری می‌اندیشد، پس محافظی بین خود و حکومت ایجاد می‌کند (قاسمی سیانی، ۱۳۷۶، ص ۷۴۸). این نظام حفاظتی به شکل‌های مختلفی خود را عرضه می‌کند که از آن جمله است "سازماندهی صنفی مردم برای دفاع از حقوق مدنی خود در مقابل تجاوز دیگران و دولت است" (علمداری، ۱۳۷۶، ص ۱۹). این نظام حفاظتی نه تنها عامل دفاع از حقوق انسان‌ها در برابر دولت است بلکه به حفاظت از حقوق مدنی اعضای خود در برابر سایر اصناف و سازمان‌ها نیز می‌پردازد. آنچه که به نام "گفتمان اصلاحات" در جامعه‌ی ایران مطرح شد نیز در راستای این جریان فکری تاریخی است که در اندیشه فراهم آوردن تمهیدات لازم برای تحقق جامعه‌ی مدنی است. سید محمد خاتمی (۱۳۸۷) در تبیین آرمان‌های گفتمان اصلاحات می‌گوید: "اصلاحات گفتمانی است متکی بر خواسته‌های تاریخی و جنبش‌های اجتماعی و تلاش‌های سیاسی که نقطه آغاز و تکوین آن "جامعه‌ی مدنی" است. در گفتمان اصلاحات "جامعه‌ی مدنی" ظرف تحقق اراده مردم و مقید کردن قدرت است" (خاتمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴). وی همچنین تأکید دارد که این حرکت مبتنی بر گونه‌ای از فهم دینی است که دین را در سازگاری کامل با مردم سالاری می‌داند (همان، ص ۱۲). علاوه بر آن، ضرورت نوآوری‌ها و تحولات سازگار با شرایط تاریخی و اجتماعی را شامل برداشت‌های افراد از دین و عادات و آدابی که تابع شرایط زمان و مکان‌اند دانسته و به همین دلیل آنها را بشری و غیر مقدس معرفی می‌کند. با وجود

این، سازگار بودن نوسازی و تجدد را با مبانی اصیل دینی و بنیاد حکمت معنوی و از همه مهمتر وحی الهی به عنوان منبع ممتاز شناخت حقیقت و یافتن شیوه زندگی انسان، لازم و شرط روشنفکری دینی به حساب می‌آورد (همان، صص ۲۸-۲۵). و بر همین اساس است که حضور فعال و مثبت دین در سپهر حیات اجتماعی را از جمله مهمترین بنیان‌های این حرکت اجتماعی می‌داند. هرچند که علیرغم این تأکید، قدرت سیاسی را امری بشری و غیر مقدس معرفی می‌کند.

از آنچه در باب مفهوم جامعه‌ی مدنی بیان شد معلوم گردید که این مفهوم در سیر تحولی خود به مقتضای شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی معانی و تعبیر مختلفی را بر خود پذیرفته است. بر این اساس، باید به یک نسبی‌گرایی ملایم روی آورد. بدین معنا که مفهوم جامعه‌ی مدنی می‌تواند در بستر فرهنگ‌های مختلف ظهور کند و به مقتضای هر فرهنگ، ویژگی‌های نوینی را از خود آشکار سازد یا بر خود بپذیرد.

بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی از مفهوم «جامعه‌ی مدنی» در گفتمان جدید- یعنی در دو دهه‌ی اخیر- می‌توان گفت که جامعه‌ی مدنی به معنای حضور نهادها، انجمن‌ها و گروه‌هایی است که برای دفاع از حقوق شهروندان در مقابل قدرت دولت و بازخوانی مسئولیت حکومت در قبال مردم شکل گرفته است. جامعه‌ی مدنی در معنای حاضر، نه بخشی از دولت که در پی احقاق حقوق مردم باشد، بلکه به عنوان نهادهایی خارج از ساختار دولت- ولی در تعامل و گفتگو با آن- است که در صدد باز ستاندن حقوق اولیه شهروندان از دولت قراردادی است. در یک نگاه اجمالی و تحلیلی از تعاریف و مفاهیم ارائه شده در خصوص سیر تحول و تطوّر مفهومی جامعه‌ی مدنی غرب، می‌توان جدول ذیل را ارائه داد:

جدول ۱. سیر تحول و تطور مفهومی جامعه‌ی مدنی و خصوصیات آن

جامعه‌ی مدنی از دیدگاه	معادل با	مغایر (مقابل) با	تعریف (مفهوم)	خصوصیات
ارسطو	دولت	فرد و خانواده	جامعه‌ی مدنی به مفهوم «دولت» در برابر فرد و خانواده	- تأکید بر اصالت جمع - حاکمیت طبقه متوسط
طرفداران قرارداد اجتماعی (هابز، لاک، روسو)	دولت	حالت طبیعی	جامعه‌ی مدنی به مفهوم «دولت» در برابر جامعه‌ی طبیعی	- تأکید بر اصالت فرد- قرارداد اجتماعی - حاکمیت قانون- برابری و اراده عمومی - پاسداری از حقوق طبیعی و آزادی‌های فردی و برابری در برابر قانون
آدام فرگوسن	جامعه‌ی متمدن	جامعه‌ی بدوی	جامعه‌ی مدنی به معنای «جامعه‌ی متمدن» در برابر جامعه‌ی بدوی	- رد نظریه‌ی قرارداد اجتماعی، - تأکید بر اصالت جمع - پیشرفت اعم از مادی - اصلاح و بهبودی آداب و رسوم - حاکمیت قانون، تقسیم کار، مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار آزاد - مشارکت سیاسی و مدنی، مشارکت در دفاع ملی و بطور کلی شهروند فعال - مین‌پرستی و علاقه به منافع عمومی و سعادت جمعی
هگل	نظام نیازها و حوزه اصناف	دولت	جامعه‌ی مدنی به معنای «حد واسط میان خانواده و دولت».	- رد نظریه‌ی قرارداد اجتماعی- تأکید بر اصالت جمع - فرایند خصوصی‌گرایی و میانجی‌گری میان خانواده و دولت - اصناف یا سازمانهای آزاد و داوطلبانه و سازماندهی افراد بر طبق علایق، حرفه و شغل، معاملات و مبادلات. - حوزه روابط اقتصادی- اجتماعی و دارای ماهیتی اساساً سرمایه داری- اقتصاد بازار آزاد
مارکس	جامعه‌ی اقتصادی یا عوامل زیربنایی- نظام نیازها	عوامل روبنایی (دولت و تشکیلات اجرائی آن)	جامعه‌ی مدنی با مفهوم «حوزه‌ی روابط اقتصادی و اجتماعی در برابر دولت».	- دولت با ناپدید شدن طبقات ناپدید خواهد شد. - تأکید بر اصالت جمع- جامعه‌ی بی طبقه - حوزه مبادلات مادی و حیات تجاری و صنعتی -حوزه مبارزه طبقاتی - تنظیم کننده دولت - سازمانی اجتماعی که مستقیماً از طریق تولید و تجارت تحول می یابد. - حیات اقتصادی که در آن هر فردی دنبال منافع شخصی خویش است.
علوم اجتماعی	نظام نهادها و نظام اصناف	دولت و اقتصاد	جامعه‌ی مدنی با مفهوم «نهادهای واسط میان مردم و دولت».	حوزه‌ی تعامل اجتماعی میان اقتصاد و دولت است که شامل: حوزه‌ی شخصی، انجمن‌های داوطلبانه، جنبش ملی اجتماعی و انواع ارتباط‌های عمومی است. توسعه‌ی دموکراسی هدف عمده‌ی جامعه‌ی مدنی است. جامعه‌ی مدنی ابزار تنظیم کننده دموکراتیک اجتماعی است. جامعه‌ی مدنی بر جامعه‌ی سیاسی اعمال نفوذ می‌کند.

مفهوم‌شناسی تربیت مدنی (شهروندی)

تربیت مدنی یکی از وجوه تربیت اجتماعی و از فروع بحث جامعه‌ی مدنی است. از تربیت مدنی^۱ با تعبیرهای دیگری همچون تربیت شهروند^۲، تربیت برای حیات جمعی^۳، تربیت دموکراتیک^۴ و تربیت مبتنی بر حقوق بشر^۵ نیز یاد می‌شود (باقری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵). اما مفهوم تربیت مدنی نیز همچون مفهوم جامعه‌ی مدنی، در معرض تحول قرار داشته است. بدین معنا که، همزمان با تحول در معنی و مفهوم جامعه‌ی مدنی از یونان باستان تاکنون، معنی و مفهوم تربیت مدنی نیز با تحولات معنایی و مفهومی مواجه بوده است. از قرن‌ها پیش متفکران سیاسی چون افلاطون و ارسطو به گونه‌ای به مسأله آموزش سیاسی و اجتماعی کودکان و جوانان و ایفای نقش شهروندی توسط آنها توجه نشان داده‌اند. افلاطون از اولین کسانی است که بر سیاسی بودن تعلیم و تربیت تاکید می‌کند. به نظر وی تنها با به کارگیری تعلیم و تربیت درست است که زمامدار می‌تواند به ایجاد دولت هماهنگ با طبیعت بشر اقدام کند. وی در کتاب قوانین، موسسات تربیتی را جزء موسسات حکومتی طبقه‌بندی می‌کند (پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۱۱۶). ارسطو نیز پیرامون آموزش شهروندی بر این باور است که تعلیم و تربیت از مسایلی است که بیش از هر چیز دیگر باید محل اعتنای قانونگذار باشد، چرا که غفلت از تعلیم و تربیت شهروندی همیشه به حکومت‌ها آسیب می‌رساند^۶ "تعلیم و تربیت شهروندان هر حکومت باید به شیوه‌ای متناسب با مبانی و اصول آن حکومت انجام گیرد (عنایت، ۱۳۶۴، ص ۱۰۳). کانت نیز هدف تعلیم و تربیت دموکراتیک را متعهد کردن افراد به جریانی می‌داند که به آنها کمک می‌کند مهارت‌ها و نگرش‌هایی را در خود پرورش دهند که برای مشارکت آنها در یک جامعه‌ی انسانی و فعال، لازم است (کوبو^۶، ۲۰۰۰).

جان دیویی مربی و فیلسوف تربیتی قرن بیستم نیز معتقد بود که رسیدن به اهداف دموکراتیک یعنی آزادی، برابری و ترقی از طریق آموزش‌های دموکراتیک امکان‌پذیر است. وی که کارآیی و ناکارآیی دموکراسی را وابسته به چگونگی تعلیم و تربیت می‌دانست، در مدرسه‌ی

-
- 1 - Civic education
 - 2 - Citizen education
 - 3 - Education for public life
 - 4 - Democratic education
 - 5 - Human rights education
 - 6 - Kubow

آزمایشگاهی اولیه‌ی خود فرضیه یادگیری از طریق عمل کردن^۱ را مورد آزمون قرار داد که طی آن قصد او دستیابی به توده مردم و آگاهی دادن به آنها نسبت به مشکلات اجتماعی بود. به زعم دیویی آزادی عقلانی و تبادل نظر باید از عناصر اصلی تربیت مدنی باشد (نایت^۲، ۲۰۰۰). بنا به اظهار هودسون^۳ (۲۰۰۱؛ به نقل از فتحی، ۱۳۸۱)، در یک چشم انداز ملی، فلسفه‌ی اصلی تربیت مدنی را می‌توان دستیابی به مقاصد هم‌چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار موسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی و برابری، علاقه به مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی بیان نمود.

به زعم تورنی^۴ (۱۹۹۹) تربیت شهروندی عبارت است از فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی می‌شود، نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آنها است.

بنا به گفته‌ی چمبلیس^۵ (۱۹۹۷؛ به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱)، تربیت مدنی یا شهروندی به تربیتی گفته می‌شود که به توسعه و پرورش مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندی منجر شود. چنین تربیتی الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص قابل درک است زیرا در هر جامعه‌ای؛ دانش‌ها، طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه‌ی تاسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی می‌باشد.

1 - Learning by doing

2 - Knight

3 - Hudson

4 - Torney

5 - Chambliss

باقری (۱۳۷۹) در تحلیل خود از مفهوم تربیت مدنی معتقد است که تربیت مدنی مستلزم آن است که دانش‌ها، گرایش‌ها و قابلیت‌هایی در افراد فراهم آید که از سویی، مایه‌ی استواری و استحکام اقتدار دولت از طریق قانون در جامعه باشد و از سوی دیگر، این امکان را در افراد جامعه به وجود آورد که اقتدار طلبی‌های ناموجه از سوی دولت را بازشناسی کنند و بتوانند آن را مورد نقد قرار دهند و در صورت لزوم در برابر آن عملاً مقاومت کنند. در صورتی که نظام تعلیم و تربیت، جزئیات برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را با محک چنین توازنی تنظیم و اجرا کند، می‌توان گفت که بعد تربیت مدنی را (در کنار سایر ابعاد تربیتی) فراهم آورده است (۱۳۷۹، ص ۱۲۹).

به طور کلی در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: تربیت مدنی تربیتی است که به موجب آن مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندی در افراد توسعه پیدا کرده و افراد قادر خواهند بود تا از این طریق وظایف شهروندی خود را به نحو مطلوب انجام دهند و همچنین منشاء اصلاحات مفید در جامعه گردند.

ابعاد تربیت مدنی

تربیت مدنی را می‌توان در سه بعد، مورد بحث قرار داد. باتر^۱ (۱۹۸۰) از این ابعاد با عبارت‌های دانش سیاسی، ارزش‌های سیاسی و مهارت‌های مشارکت سیاسی نام برده‌اند. در ادامه، به این سه جنبه از تربیت مدنی به ترتیب اشاره می‌کنیم.

الف- درحوزه‌ی شناختی یا دانشی، تربیت مدنی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره ساختار حکومت، روابط حکومت و مردم و سازوکارهای توزیع قدرت است. بنابراین، لازم است اطلاعات و دانش‌هایی در باب موارد زیر در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد: ساختار حکومت، چارچوب قانون اساسی، مفاهیم مربوط به شهروندی و معانی آنها، قوای سه‌گانه‌ی و کارکردهای آن، روابط دولت و اقتصاد، دولت و خدمات اجتماعی شامل رفاه عمومی، ضرورت و کارکرد احزاب سیاسی، سازمان‌های بین‌المللی و نظایر آنها. اما بسنده کردن به عرض‌های

1 - Butts

اطلاعات و دانش‌هایی از این قبیل، برای تأمین بعد شناختی کافی نیست. علاوه بر آن، برخی قابلیت‌ها و توانایی‌های فکری و شناختی نیز مورد نیاز است. دانش‌آموز نیازمند آن است که با اطلاعاتی که در اختیار دارد، به درستی اندیشه کند. عناصر و معیارهای اندیشه‌ورزی، باید به منزله‌ی قابلیت‌های ذهنی در فرد شکل بگیرد و فرد توانایی اندیشیدن و صحیح اندیشیدن را پیدا کند. فراهم آوردن قابلیت ذهنی مذکور، بخش مهمی از جنبه‌ی شناختی تربیت به طور کلی و تربیت مدنی به طور خاص است زیرا اندیشه‌ورزی و نقادی، از اجزای مهم تربیت مدنی است. اهمیت این قابلیت ذهنی تا حدی است که امروزه لزوم پرداختن به آن از سنین پایین مورد تأکید جدی قرار گرفته است (فیشر، ۱۳۸۶). نهضت آموزش تفکر به کودکان و گسترش روزافزون آن تا حد زیادی پاسخی است به نیاز معرفتی افشار مختلف جامعه برای مجهز شدن به نگرش‌ها و مهارت‌های ضروری تفکر که از لوازم نیل به جامعه مدنی به حساب می‌آید (صفایی مقدم، ۱۳۷۷).

ب- در حوزه‌ی عاطفی یا ارزشی، تربیت مدنی در پی آن است که گرایش‌ها و قابلیت‌های عاطفی مناسب با جامعه‌ی مدنی را در افراد ایجاد کند. در این زمینه در کنار ارزش‌های اصیلی همچون عدالت و آزادی، ارزش‌های دیگری همانند احترام نهادن به دیگران، احترام به قانون و حکومت، نوع دوستی، ذهن باز و تمایل به نقد و ارزیابی، بی‌طرفی و انصاف، از مهمترین نکات در این بعد از تربیت مدنی محسوب می‌شوند.

ج- در حوزه‌ی رفتاری یا مشارکت، تربیت مدنی مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه‌ی مدنی است. توانایی انجام دادن گفتگوی مؤثر با دیگران، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی همچون رأی‌دادن؛ شرکت در مراسم بزرگداشت فضیلت‌های اجتماعی؛ اطاعت از قانون، داشتن تفکر منطقی و انتقادی در حل مسائل، ارتباط داشتن و استفاده‌ی مؤثر و نقادانه از رسانه‌های عمومی، به ویژه رسانه‌های مکتوب، همچون روزنامه‌ها و مجلات اجتماعی و سیاسی نمونه‌های عمده‌ی این جنبه از تربیت مدنی است.

اصول اساسی تربیت مدنی

همان‌طور که گفته شد، تربیت مدنی یکی از وجوه و فروع بحث جامعه‌ی مدنی است، از طرف دیگر، یکی از راه‌های اساسی تحقق جامعه‌ی مدنی، تربیت مدنی است که باید از طریق ساز و کارهای مناسب نظام آموزش و پرورش رسمی صورت پذیرد. از این رو لازم است نظام‌های آموزشی مولفه‌های اصلی جامعه مدنی را بر حسب ارزش‌های فرهنگی جامعه خود باز تولید نموده و اصول اساسی جامعه مدنی را به گونه‌ای تنظیم و ارائه نمایند که هاضمه‌ی مردم جامعه به راحتی آن را هضم و جذب نماید. بنابراین، در این بحث اصول تربیت مدنی، با توجه به مولفه‌ها و ویژگی‌هایی که در خصوص جامعه‌ی مدنی بیان شده و با توجه به آموزه‌های فرهنگ اسلامی ارائه خواهد شد.

۱- اصل احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی: همان‌طور که قبلاً بیان شد، یکی از مهمترین مولفه‌های جامعه‌ی مدنی، وجود آزادی‌های مدنی است. بر اساس جایگاه مهم این مولفه‌ی، یعنی آزادی، در تأمین جامعه مدنی است که می‌توانیم رعایت آزادی‌های فردی و اجتماعی را به عنوان یکی از مهمترین اصول تربیت مدنی به حساب آوریم. نظام آموزشی با ارائه‌ی این اصل به مثابه راهنمای عمل مربیان و دست‌اندرکاران تربیت، مستند مهمی را برای تمیز رفتار تربیتی از رفتار غیر تربیتی ارائه می‌دهد. دلائلی که به استناد این اصل ارائه می‌شوند دلائل معتبری در حوزه‌ی استدلال تربیت مدنی شناخته می‌شوند.

علاوه بر آن که آزادی به عنوان اصل راهنمای عمل در ساختار تربیت مدنی حضور خواهد داشت، بخشی از محتوای تربیت مدنی نیز به موضوع آزادی اختصاص پیدا می‌کند. افراد در جریان تربیت مدنی، ضمن آگاهی یافتن از ارزش و اهمیت آزادی و آشنایی با تاریخ آزادی‌های اجتماعی - سیاسی و شناسایی موانع آزادی و اطلاع از نقش آزادی در تأمین سعادت فردی و اجتماعی و نیز آگاهی از اقسام آزادی (یا تفاسیر گوناگون آن) و حدود ذاتی آن، با راه‌های متفاوت کسب آزادی و توسعه و دفاع و پاسداری از آن آشنا می‌شوند. هم‌چنین، در حوزه‌ی عواطف و گرایشات نیز پرورش احساسات مثبت نسبت به ارزش آزادی بخشی از محتوای تربیت مدنی را تشکیل می‌دهد.

اصل آزادی به عنوان اصل راهنمای عمل در حالی که پیوندی عمیق با مفهوم جامعه‌ی مدنی و تربیت مدنی دارد، در عین حال با آموزه‌های اسلامی و فرهنگی ما نیز ربط وثیقی دارد. در واقع، آزادی به عنوان یک ارزش و اصلی اساسی نقطه‌ی آغازین پیدایش جامعه‌ی توحیدی هم در حوزه‌ی نظر و هم در حوزه‌ی عمل است. بنابر مبانی اعتقادی اسلام، حکمت الهی بر آن است که با حفظ آزادی انسان، هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت و خیر و شر برای مردم تبیین شود و آنان در انتخاب یکی از دو طریق مختار باشند (سوره انسان، آیه ۳). به عبارت دیگر، دعوت خداوند از انسان‌ها برای ایمان آوردن، مبتنی بر این پیش فرض است که بشر در انتخاب و لیبیک به این دعوت آزاد است. واقعه رانده شدن آدم (ع) از بهشت، بیانی از اختیار آدمی است.

از سوی دیگر آزادی در منطق اسلام رنگ و بوی الهی دارد؛ به این معنا که اساساً موهبتی الهی تلقی می‌شود. لذا پاسداری از این سرمایه معنوی در عین حال که وظیفه‌ای مدنی به حساب می‌آید، وظیفه‌ای دینی نیز می‌باشد. از این رو است که امام علی(ع) می‌فرماید: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). قرآن کریم نیز در سوره آل عمران، آیه ۶۲ می‌فرماید: قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشکرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله. "بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته‌ی ما و شما است پیروی کنیم، آن که جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد". در اینجا تأکید بر این است که حقیقت وجودی آدمی بنا به خواست و مشیت الهی با این ارزش والا گره خورده است. این نکته نیز شایسته توجه است که "منظور از اربابا من دون الله، یا عبادت و پرستش غیر خدا این نیست که کسی را به جای خدا فرض کرده و او را عبادت کنند. وقتی که خداوند در سوره توبه، آیه ۳۱ می‌فرماید برخی از اهل کتاب عالمان دینی خود را به جای خداوند ارباب گرفته‌اند، منظور این نیست که این عالمان مردم را به عبادت خویش دعوت کرده‌اند، بلکه منظور آن است که عالمان با تعیین و تحمیل حدودی - غیر حدودی که

خداوند تعیین کرده- آزادی مردم را محدود کرده‌اند و مردم نیز با این تصور که این حدود همان حدود الهی است آزادی خود در انتخاب و تصمیم‌گیری را فرو نهاده و به اطاعت آنان پرداخته‌اند" (صفایی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).

۲- اصل عقلانیت و استدلال: این اصل نشأت گرفته از خصوصیت اندیشه‌ورزی انسان است که اساس ماهیت آدمی را تشکیل می‌دهد. این ویژگی ضمناً مبنای رفتارهای مدنی است که انتظار می‌رود در یک جامعه مدنی رواج تام داشته و تربیت مدنی نیز در پی پرورش آنها باشد. همانطور که گفته شد رفتار مبتنی بر مدنیّت به معنی رفتار به حکم «خردمندی» است و جوهره خردمندی نیز دل سپردن به دلیل و ارزش نهادن به استدلال است. جامعه‌ی مدنی جامعه‌ای است که در آن فرهنگ عمومی به سطحی از رشد و آگاهی رسیده که قدرشناسی از عقل و عقلانیت و دلیل خواهی به روح حاکم بر آن مبدل شده است. از همین روست که تربیت مدنی مستلزم پرورش روح قدرشناسی از عقلانیت از سویی، و آموزش مهارت‌ها و شیوه‌های استدلال از سوی دیگر است. پرورش مردمانی که شعار مهم آنها این است که "نحن ابناء الدلیل"، و در تلاش‌اند که چیزی را بدون استناد به دلیل رد یا تأیید نکنند در پرتو تربیت مدنی به دست می‌آید که یکی از مبناهای مهم آن ارزشمند دانستن عقل و استدلال، و از جمله اهداف آن پرورش روح قدردانی از عقل و استدلال و همچنین، رفتارها و سخنان مستدل است. در چنین جامعه‌ای است که روابط میان مردم با گفتگوی مسالمت‌جویانه و مستدل تنظیم می‌شود.

هر چند ممکن است جامعه‌ای که مرجعیت عقل و استدلال در آن به رسمیت شناخته شده برای برخی از نظام‌های فکری و تربیتی فردگرا مطلوب نباشد، ولی نظام تربیتی برآمده از مبانی و آموزه‌های اسلامی چنین جامعه‌ای را هدف مهم خود قرار می‌دهد. قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) به شیوه‌های مختلف ما را به سوی جامعه‌ای با این ویژگی‌ها دعوت‌ها نموده‌اند. دعوت صریح قرآن به تفکر و تدبّر در اصول و انّهات مسایل اعتقادی، بیانگر توجه اسلام به جایگاه ممتاز عقلانیت است. از سوی دیگر، پیامبر اکرم (ص) و سایر معصومان (ع) از زوایای گوناگون در باب شأن و منزلت عقل سخن‌ها گفته‌اند. برای مثال،

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قوام آدمی به عقل اوست، هر کس عقل ندارد، دین ندارد». «خداوند، هیچ چیزی برتر از عقل، در میان بندگانش تقسیم نکرده، پس خواب عاقل، بهتر از بیداری جاهل، و افطار عاقل، بهتر از روزه‌داری جاهل است...» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۴-۹۱). برخی از سخنان امام علی(ع) نیز ناظر به این مطلب است که حقیقت انسان و کمال و فضیلت وی در گرو عقل است، مانند: «انسان به عقل اوست» (غررالحکم، ج ۱، ص ۱۳۷). «عقل، اصل و اساس انسان است» (همان منبع، ج ۲، ص ۹۵۴). «عقل، کمال انسان است» (همان منبع، ج ۲، ص ۹۷۰).

بنابراین، اصل احترام به استدلال و عقلانیت، که یکی از اصول اساسی و محوری در تربیت مدنی است، کاملاً هماهنگ با آموزه‌های اسلامی و روح حاکم بر تفکر دینی می‌باشد.

۳- اصل احترام به قانون: یکی از اصول مهم جامعه‌ی مدنی که باید در فرایند تربیت مدنی نیز به آن توجه ویژه داشت، اصل پذیرش مرجعیت قانون است. قانون از یک سو انتظام بخش روابط مشترک و از سوی دیگر تأمین‌کننده عدالت می‌باشد. برای درک ضرورت قانون می‌توان به دو ویژگی انسان توجه کرد: یکی افزون خواهی انسان و دیگری خویشتن دوستی انسان. این هر دو چنانچه در حد اعتدال باشند زمینه‌ساز کمالند اما چنانچه حالت افراط به خود گیرند منشأ طغیان، انحراف، استکبار و زمینه‌های بهره‌کشی بی‌رویه از دیگران را فراهم می‌آورند (میر مدرس، ۱۳۸۰). قانون از جمله محصولات فکری ارجمندی است که از کارکردهای آن انتظام بخشی و اعتدال بخشی به خواست‌های افراطی و فردگرایانه آدمی می‌باشد.

براساس آموزه‌های اسلامی نیز اصل قانون‌مداری از جایگاه رفیعی برخوردار است. جامعه‌ای که قانون بر آن حاکم نباشد میدان تاخت و تاز امیال و هوس‌های بی قید و شرط حاکمانی خواهد شد که جز امیال زودگذر خود را نمی‌بینند. وقتی که منشأ رفتار حاکم با رعیت امیال و تمایلات فردی حاکم شد در آن صورت روابط ظالمانه شکل خواهد گرفت. جامعه‌ای با این شرایط به علت فقد عامل انتظام بخش به زودی مضمحل خواهد شد. از همین روست که پیامبر عظیم‌الشان اسلام فرمودند الملک یقی مع الکفر و لا یقی مع الظلم. از طرف دیگر، در چنین جامعه‌ای به علت فقدان قانون تکالیف و حقوق مردم روشن نیست. در این

شرایط برنامه‌ریزی و انتظام بخشی به امور فردی و اجتماعی ناممکن خواهد شد. و از آنجا که یکی از توصیه‌های مؤکد منابع دینی انتظام بخشی به امور است - اوصیکم عبادالله بتقوی الله و نظم امرکم - و قانون‌گرایی از مقدمات آن به حساب می‌آید، لذا تبیین ضرورت قانون‌گرایی از کارکردهای تربیت دینی خواهد بود. البته همان‌طور که بندگان خدا اول به تقوی الهی و سپس به نظم در امورشان توصیه شده‌اند، می‌توانیم نتیجه بگیریم که چنانچه توصیه به قانون‌گرایی در بستری از خدا خواهی و تمسک به ارزش‌ها و قوانین الهی صورت گیرد به جهت‌گیری اسلامی نزدیک‌تر است، هر چند قانون بد در هر حال از بی‌قانونی ارجح دانسته شده است.

۴- اصل احترام به حقوق شهروندی: حقوق شهروندی بر اساس یک تقسیم‌بندی، که بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: (۱) حقوق مادی؛ همچون: حق زندگی، حق امنیت، حق رفت و آمد، حق مسکن، حق مصونیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات، حق دفاع، حق تابعیت، حق انتخاب شغل، حق تأمین اجتماعی، حق مالکیت شخصی و ... (۲) حقوق معنوی؛ همچون: حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق آزادی ایمان، حق آزادی اطلاعات، حق آزادی اجتماعات، حق آزادی سیاسی، حق آزادی آموزش و پرورش، حق برابری و عدم تبعیض، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و ... (احمدزاده، ۱۳۸۴).

در یک معنای کلی، حقوق شهروندی در اسلام، شامل مجموعه‌ی حقوق و وظایف متقابل میان شهروندان و دولت مرداندر جامعه‌ی دینی است. به دیگر سخن، حقوق شهروندی از چهار بخش تشکیل شده است که عبارتند از: (۱) حقوق شهروندان؛ (۲) وظایف شهروندان؛ (۳) حقوق دولت مردان؛ (۴) وظایف دولتمردان، که در فرهنگ اسلامی از آن به حقوق و وظایف متقابل والی و رعیت یاد شده است. منابع دینی، از جمله رساله حقوق امام سجاد (ع)، آکنده از فرازهایی است که به حقوق شهروندان جامعه اسلامی اشاره می‌کند، چه این شهروندان مسلمان باشند و چه مسلمان نباشند. غیر مسلمان حق دارد که دین خود را، هر چه می‌خواهد باشد، برای خود نگه دارد و کسی حق تحمیل اسلام بر او را ندارد بلکه بر حاکم اسلامی واجب است که از حقوق شهروندان غیر مسلم خود نیز پاسداری نماید. ارجاع دعوای حقوقی امام علی در زمانی که خلیفه مسلمین بود با مدعی که یهودی بود به قاضی، و نحوه‌ی

برخورد قاضی که به نفع آن یهودی رأی داد و در عین حال اعتراض امام علی به قاضی که چرا مرا به کنیه مخاطب قرار دادی (که مراد برخورد احترام آمیز است) و با فرد مقابل من به طور معمولی برخورد کردی، برای همیشه تاریخ چون گوهری بر تارک تاریخ رعایت حقوق شهروندی خواهد درخشید. پس به منظور آموزش مفاد اصل توجه به حقوق شهروندی باید در جریان تربیت مدنی امکان شناخت این حقوق را برای دانش‌آموزان فراهم آورد و نیز شرایط و زمینه‌های لازم و مطلوب برای تحقق این حقوق را ایجاد نمود.

۵- اصل مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی: منظور از این اصل این است که در جامعه‌ی مدنی باید فرصت‌های زیادی برای مشارکت افراد در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراهم نمود. به عبارت دیگر، جامعه زمانی مدنی دانسته می‌شود که شهروندان آن از حق خود برای حضور در اداره امور خود آگاهی داشته باشند، و ساختار جامعه نیز به گونه‌ای تنظیم شده باشد که مردم به راحتی بتوانند از این حق خود استفاده کنند. علاوه بر آن، احساس تکلیف برای این مشارکت نیز باید در تصمیم و عمل مشارکت جویانه شهروندان دخالت داشته باشد.

مبنای این اصل طبیعت اجتماعی انسان از سویی، و تأثیر مثبت مشارکت و همکاری‌های اجتماعی در پیشرفت امور جامعه، از سوی دیگر است. در حوزه‌ی تعلیم و تربیت مدنی نیز این دو نکته مورد توجه هستند. تربیت مدنی ضمن به رسمیت شناختن رقابت، ولی مشارکت و همکاری‌ها و شیوه‌های جمعی را برای رسیدن به پیشرفت‌های علمی و آموزشی مفیدتر می‌داند. بر اساس همین اصل راهنمای عمل است که تشکیل شورای مدارس، مشارکت دانش‌آموزان در اداره‌ی مدرسه، توسعه‌ی تشکلهای و انجمن‌های داوطلبانه دانش‌آموزی و شیوه‌های جمعی تحقیق و پژوهش، به عنوان مصادیقی از مفهوم مشارکت، در جریان تربیت مدنی مورد توجه قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، تشویق دانش‌آموزان به توجه کردن به نظر دیگران، تلاش برای تأمین رفاه عمومی، درک و توسعه ارزش‌ها و علائق مشترک، علاقمندی به ایجاد عدالت و برابری در انتخاب، تقویت مهارت‌های ارتباطی و خلیات دموکراتیک، ایمان

به لیاقت و کارآمدی نیروی گروهی در حل و فصل امور، آموزش معانی مشترک، از موارد اساسی تحقق اصل مذکور می باشد (الاکلین و فریمن، ۲۰۰۰، به نقل از جاویدی، ۱۳۸۵).
 چه مفاد این اصل و چه مبناهای آن همه ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و معارف اسلامی دارند. این همه تأکید در منابع اسلامی مبنی بر مسئولیت آدمی و وجوب امر به معروف و نهی از منکر، و تلاش در جهت حل مشکلات مردم و ایجاد یک زندگی سالم و آرام مبین همین معناست. امام سجاد (ع) می‌فرماید: می‌دانید عجز چیست؟ آن کس که بتواند حاجتی از حوائج مردم را برآورد و بر نیابد (صفایی مقدم، ۱۳۸۶، ص ۲۰۲). بر مبنای مسئول بودن آدمی در بینش اسلامی است که یکی از هدف‌های مهم تربیت اسلامی پرورش روح تعاون، مشارکت و مسئولیت‌پذیری دانسته شده و آموزش بینش سیاسی و ترغیب به مشارکت در امور سیاسی-اجتماعی نیز از جمله وظایف نظام آموزشی اسلامی به حساب آمده است (همان منبع، ص ص ۲۰۵-۲۰۰).

در تربیت مدنی اسلامی، مشارکت و حمایت و پیوستن به احزاب، بر مبنای منافع شخصی و گروهی یا سلاقی فردی و جمعی صورت نمی‌گیرد، بلکه بر اساس میزان توفیقشان در تحقق آرمان‌های مدنی و دینی است. به عبارت دیگر، میزان تحزب یا تعصبات حزبی و پای‌بندی به آرمان‌های سازمانی، با تعلق خاطرهای دینی و اعتقادی سنجیده می‌شود؛ به گونه‌ای که تحزب نباید با توحید در بستر تربیت مدنی دچار تضاد و تناقض شود و این امر، خود تفاوت اساسی میان تحزب دموکراتیک و تحزب در جامعه مدنی اسلامی است (علم الهدی، ۱۳۷۹).

۶- اصل توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی احساس عملی در به کارگیری توانایی‌ها و کوشش برای تطابق و سازگاری با مردم است که عدم آن قانون شکنی و نپذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی است (گلین، ۱۹۸۸، به نقل از سبحانی‌نژاد و فردانش، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰). منظور از این اصل، این است که هر فرد نسبت به وظایفی که به عهده دارد، به دیگران پاسخگو و به عبارت دیگر، مسئول صحت انجام وظایف خود می‌باشد. این مسئولیت عمومیّت دارد و هر فردی نسبت به جامعه‌ی خود مسئول است. به منظور تحقق این اصل در فرایند تربیت مدنی، نخست باید امکان شناخت حقوق و مسئولیت‌های متقابل را

فراهم آورد و سپس فرصت‌های تربیتی متعددی را زمینه‌سازی کرد تا دانش‌آموزان بتوانند با رعایت حقوق سایر دانش‌آموزان مسئولیت‌های متقابل را به انجام رسانند.

در تربیت مدنی اسلامی نیز، همه‌ی افراد در قبال همه‌ی امور اجتماعی و سیاسی-اقتصادی و فرهنگی، اعم از فردی، حزبی و یا دولتی مسئولیت دارند، زیرا «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» و این مسئولیت، هم جنبه‌ی ایجابی دارد و هم جنبه‌ی سلبی. تنها نهی از منکر برای اصلاح جامعه کافی نیست، بلکه امر به معروف هم لازم است. در حقیقت، این تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر حاکی از اصل مسئولیت‌پذیری است. در رابطه با این اصل، می‌توان به مصادیق دیگری همچون: «همه‌ی شما سرپرست و نگهبان و نسبت به زیردستان مسئولید...» (رسول اکرم، ص)، یا این آیه که می‌فرماید: «فساد و تباهی به دست خود مردم و به واسطه بی‌مسئولیتی آنهاست» (سوره‌ی روم، آیه‌ی ۴۱) اشاره نمود.

این اصل از تبدیل روابط افراد به رابطه‌ی سلطه‌گرایانه جلوگیری می‌کند. اگر هر مسئولی خود را مسئول پاسخگو بداند، اقتدار حکومتی و مدیریتی، به ظلم و بی‌عدالتی تبدیل نمی‌شود. در حقیقت، یکی از شاخص‌های اصلی جامعه‌ی مدنی نیز، توجه به همین نکته اساسی است که در آن حوزه‌ی اقتدار و مسئولیت دولت و مردم تعریف شده است (باقری، ۱۳۷۹).

۷- اصل مدارا و تسامح: مضامین و درون مایه‌های اساسی اصل مدارا و تسامح در فرایند تربیت مدنی، ارجمند دانستن ویژگی‌ها و رفتارهایی همچون سعه‌ی صدر، اغماض، تحمل کردن، بردباری، مدارا و سازش، شکیبایی و مانند آن است. منظور از مدارا، شفقت و مهربانی همراه با گذشت و عفو نسبت به دیگران است که در رفتار و مناسبات انسانی و نیز رفتار حکومتی ضرورت دارد. و منظور از تسامح، داشتن سعه‌ی صدر و قدرت تحمل عقاید مخالف و گاه حتی پذیرش آن است. این اصل ابتدا تفاوت و اختلاف آرا و اندیشه‌ها را می‌پذیرد، یا دست کم تحمل می‌نماید و سپس بیان می‌کند که انسان‌ها، باید تاب شنیدن عقاید متفاوت یا مختلف را نیز داشته باشند. در حقیقت تحقق این اصل، مبتنی بر دو قاعده‌ی کلی سازگاری و وفاق اجتماعی است، که منظور از «سازگاری»، پیروی از قوانین و مقررات جمعی و پاسداری از

میزان‌های اجتماعی، و منظور از وفاق، برقراری تفاهم و سازش بین افرادی است که دارای افکار و عقاید مختلف می‌باشند» (جاویدی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

بر اساس این اصل، در فرایند تربیت مدنی می‌توان دانش‌آموزان را با مسائلی همچون؛ احترام گذاردن به آرا و عقاید دیگران، پذیرش تنوع افکار و اندیشه‌های مختلف و تحمل آنها، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، پرهیز از جزمیت‌گرایی، نگاه واقع‌بینانه به دیگران و دوری از خود محوری، استفاده از روش بحث و گفتگو و مناظره، و ... آشنا ساخت.

در رویکرد تربیت مدنی اسلامی نیز، این اصل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و مصادیق زیادی را می‌توان بر این مدعا برشمرد. حضرت علی (ع) در بسیاری از دستوره‌های حکومتی، به والیان و کارگزاران دستور مدارا داده است. از جمله در نامه‌ی ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «دلت را از رحمت به رعیت پر کن و به آنها لطف و محبت داشته باش ...» همچنین امام در بخش‌های دیگر این نامه، «مالک» را به رفق و مدارا و لطف و رأفت نسبت به مردم دعوت می‌کند و از او می‌خواهد بال محبت خود را برای آنها بگستراند. آن حضرت به «حارث همدانی» نیز می‌نویسد: «در حکومت مداراکن تا آینده‌ی خوبی داشته باشی (نامه ۶۱). در مورد اصل تسامح و سعه صدر همچنین، می‌توان به آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی طه اشاره نمود؛ خداوند در این آیه به بندگان با تحمل خود بشارت می‌دهد، آن‌هایی که سخنان را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند: «... پس بشارت ده به آن بندگان من، که به سخنان مختلف گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند» (زمر ۱۷ و ۱۸). همچنین حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۲۱۶ خود را از جزمیت‌گرایی به دور می‌داند: «گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶). از این مصادیق و شواهد به خوبی می‌توان اهمیت و ارزش این اصل را در تربیت مدنی اسلامی دریافت.

۸- اصل گفتگو: بر اساس این اصل باید شرایطی را فراهم کرد که افراد و گروه‌های مختلف جامعه بتوانند ایده‌ها و نظرات خود را با همدیگر در میان نهاده و از برخورد نظرات مختلف

استفاده کنند. در جامعه‌ای که گفت و شنود را به عنوان اصل راهنمای عمل پذیرفته است افراد به راحتی در حوزه‌ی سیاست، دین، حکومت و جامعه به گفتگو می‌پردازند، نظرات خود را به همدیگر منتقل می‌کنند، نقاط قوت و ضعف بیانات همدیگر را می‌گویند و به این ترتیب به مبادله‌ی تفکر می‌پردازند. اگر در یک جامعه افراد نتوانند در یک فضای آزاد و بدون ترس به گفتگو بپردازند به روش‌های غیرمنطقی روی می‌آورند. برخی از ملزومات تحقق این اصل عبارتند از: تعامل آزادانه، تبادل ایده‌ها، آزادی بیان، آزادی ایجاد تشکّل‌ها و انجمن‌ها، تقویت مهارت‌های ارتباطی، تقویت دانش اجتماعی و تعاملات بین فرهنگی، تحمل نظرات متفاوت، تقویت ایمان به توانایی عقلانیت و کفایت آن در حل و فصل امور (سالیوان، ۲۰۰۳ و یانگ، ۱۹۹۶، به نقل از جاویدی، ۱۳۸۵).

راهنما قرار دادن اصل گفتگو مستلزم پذیرش آن است که بهره‌هایی از حقیقت می‌تواند نزد افراد مختلف، با دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، حضور داشته باشد. احادیث زیادی داریم که حکمت را گم‌شده مؤمن معرفی کرده است و تصریح نموده که مؤمن در پی آن خواهد گشت حتی اگر در نزد منافق باشد. یا اینکه فرموده‌اند که حکمت در دل کافر و منافق نا آرام است تا اینکه به دل مؤمن وارد شود. یا وقتی که پیامبر فرمودند: اطلبوا العلم ولو بالصین - علم را بجوید هر چند ناچار باشید به چین بروید و در آنجا به فراگیری علم بپردازید. این‌ها می‌تواند مؤید این معنا باشد که پراکنده بودن حقیقت و مظاهر مختلف آن به رسمیت شناخته شده است. از سوی دیگر توصیه‌ی قرآن کریم جدال احسن است (و جادلهم بالتی هی احسن) و این به معنای گفتگوی مستدل و به دور از مشاجره و پرخاشگری می‌باشد.

اما گفتگو که فرایندی دو یا چند سویه است مستلزم تأمین امنیت طرف‌های گفتگوست. چهره‌های مختلف امنیت همه باید در جریان گفتگو حاضر باشند به گونه‌ای که اگر یک طرف معلم است و طرف دیگر دانش‌آموز، یا یک طرف حاکم است و طرف دیگر رعیت، در هر حال شرایط برابر و راحت تأمین شده باشد. توده‌ها در هنگام گفتگو با حاکم نباید دچار لکنت زبان شوند. امام علی(ع) در نامه‌ی ۵۳ نهج البلاغه، به «مالک اشتر» می‌گوید: «پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آن‌ها رسیدگی کنی؛ در مجلس عمومی با آن‌ها بنشین تا سخنگوی آن‌ها بدون اضطراب با تو گفتگو کند».

۹- اصل نقد و ارزیابی: یکی از اصولی که امروزه بیش از گذشته ضروری است که دانش‌آموزان آن را راهنمای عمل خود قرار دهند ضرورت نقد و ارزیابی اطلاعات و دیدگاه‌هایی است که در حجم انبوه به آنان عرضه می‌شود. در دنیایی که اطلاعات با سرعت حیرت‌آوری افزایش می‌یابد افراد باید بتوانند بین گزینه‌های مختلف با ارزیابی‌های سنجیده سره را از ناسره باز شناسند و دست به انتخاب درست بزنند. مبنای چنین ایده‌ای این است که انسان موجودی مختار و آزاد و در عین حال مسئول انتخاب خود است. اما به کارگیری درست این اصل مستلزم داشتن ذهن باز و منعطف از سویی، و آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم برای نقد و ارزیابی از سوی دیگر است. و از این جاست که پرورش تفکر انتقادی به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود. از آنجا که در جامعه‌ی مدنی پرسشگری، انتخابگری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری به عنوان حق و تکلیف پذیرفته شده است و همه‌ی اینها از یک ذهن باز و در عین حال متعهد بر می‌آید، لذا پرورش تفکر انتقادی به عنوان یکی از هدف‌های تربیت مدنی به حساب می‌آید.

قرآن کریم در آیات متعددی توصیه به فراخ اندیشی و داشتن ذهن باز و انکار تعصب‌های جاهلانه می‌کند (مریم، آیه‌ی، ۴۲)، (انبیاء، ۵۲)، (شعراء، ۷۰)، (صافات، ۸۵)، (زخرف، ۲۰-۲۲)، (اعراف، ۲۸ و ۹۵)، (یونس، ۷۸)، (انبیاء، ۴۴ و ۵۳) و (اعراف، ۷۰). در پاسخ کسانی که پای‌بندی و تعصب به میراث فرهنگی را ارزش تلقی می‌کنند، معیار رد و قبول را عقلانیت اعلان می‌کند: «آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند [باز باید از آنها پیروی می‌کردند]؟!» (مائده، آیه ۱۰۴). اما همانگونه که گفته شد توفیق در نقد و ارزیابی سنن گذشتگان مستلزم آگاهی از شیوه‌های درست نقد و ارزیابی است. و از این رو تربیت اسلامی یکی از هدف‌های خود را پرورش فراگیرانی قرار می‌دهد که بتوانند به درست‌ترین وجه به نقد و ارزیابی بپردازند. در این صورت جامعه اسلامی به جامعه‌ای تبدیل خواهد شد که همه شهروندان آن در فرایند نقد خود و دیگران مشارکت می‌کنند و این جامعه روز به روز در اثر پالایش‌های حقیقت‌جویانه و رو به رشدی که در پی نقدها انجام می‌شود متحول‌تر و رشیدتر می‌شود. در یک جامعه‌ی دمکراتیک و مدنی نیز آموزش و پرورش در پی تأمین چنین شرایطی

است و به همین دلیل بیشتر تلاش خود را صرف آزاد کردن ذهن، تقویت قوای انتقادی، و افزایش توانایی تحقیق مستقل می‌کند.

۱۰- اصل کثرت‌گرایی روشی: منظور از کثرت‌گرایی روشی برخلاف کثرت‌گرایی بنیادی که منجر به نسبی‌گرایی و مرگ حقیقت می‌شود، نوعی از کثرت‌گرایی است که در آن نه وحدت و اشتراک اصیل است همچون جهانی‌کردن و نه تفاوت و اختلاف؛ بلکه این هر دو ملازم یکدیگرند. کثرت‌گرایی روشی، معتقد است که تفاوت و اشتراک، هیچ یک بر دیگری مقدم نیست و بدون اولی، نمی‌توان از دومی سخن گفت و از دومی نیز بدون اولی. تفاوت‌ها موقتی و تحول‌پذیر است و می‌توان با گفتگو و انتقاد، به یک وفاق رسید (علم‌الهدی، ۱۳۷۹).

تربیت مدنی‌ای که اصل تکثرگرایی روشی را می‌پذیرد، وجود اصول و ایده‌های مرکزی مشترک را مفروض می‌دارد. بنابراین تعصب و پای‌بندی بر آن اصول پذیرفتنی است و هر گونه نقد و انتقادی، بر اساس معیارهای مشترک و اصول و ایده‌های بین‌الذهانی، امکان‌پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر، تربیت مدنی مبتنی بر کثرت‌گرایی، در صورتی می‌تواند عملاً محقق شود که اعتقادی به اصول موضوعه و حقایق مشترک، یا حداقل پیش فرض‌های پذیرفته شده، داشته باشد و با کمک نقاط مشترک، در موارد افتراق بتوان به نقد و رقابت پرداخت.

در رویکرد تربیت مدنی اسلامی نیز، به نظر می‌رسد که تکثرگرایی روشی می‌تواند به عنوان یک اصل پذیرفته شود. این بدان دلیل است که جامعه اسلامی بر اساس متون دینی و شواهد تاریخی جامعه‌ای است که ظرفیت پذیرش افراد و گروه‌ها با اعتقادات مختلف را دارد. قرآن کریم در سوره‌ی کافرون، آیه‌ی ۶ می‌فرماید: «آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم» و یا در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶ می‌فرماید: «برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را بترسانی یا نترسانی ایمان نخواهند آورد». در اینجا در واقع اشاره به ترک مخاصمه و پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز با اصحاب عقاید بیگانه دارد. باز در قرآن بیان شده است: «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)؛ سپس او را به

محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند» (سوره ی توبه، آیه ی ۶). و آنجا که می فرماید: «در قبول دین، اکراهی نیست» در حقیقت، به ممنوعیت تحمیل عقیده و احترام به آزادی فردی در انتخاب آیین زندگی اشاره دارد (سوره ی بقره، آیه ۲۵۶). پس در فرایند تحقق این اصل می توان به پرورش روحیه ی تسامح و تحمل شنیدن سخن دیگران و احترام به عقاید مخالفان نیز پرداخت.

بحث و نتیجه گیری

یکی از مولفه ها و ابزارهای اساسی تحقق جامعه ی مدنی، تربیت مدنی است که باید از طریق ساز و کارهای مناسب نظام آموزش و پرورش رسمی صورت پذیرد. تحقق جامعه ی مدنی در نظام جمهوری اسلامی ایران را دست کم در دو سطح می توان پی گرفت. یکی سطح ناظر به استقرار نهادهای مدنی و حاکم کردن قواعد منطبق با ماهیت جامعه ی مدنی در تصمیم گیری ها و سیاستگذاری های اجتماعی و سطح دیگر، حاکمیت فرهنگ و ارزش های همسو با آرمان جامعه ی مدنی که همان جاری شدن این ارزش ها در فرهنگ عمومی جامعه است. از سطح دوم، به عنوان رهیافت تحقق جامعه ی مدنی به شکل زیر بنایی و پایدار نام برده شده است و مسئولیت اصلی دستیابی به چنین وضعیتی بر عهده نهاد تعلیم و تربیت گذاشته شده است. به دیگر سخن، فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی که تأثیر به سزایی در شکل گیری فرهنگ عمومی جامعه دارد، باید با هنجارها و ارزش های مورد نظر در جامعه ی مدنی همخوانی و سنخیت داشته باشد.

بنابراین باید به تربیت شهروندانی همت گماشت که بتوانند به سهولت با نهادها و سازمان های گسترده و پیچیده سیاسی و اجتماعی در حال تحول، سازگاری فعال داشته باشند و در امور مهم سیاسی و اجتماعی خردمندانه شرکت کنند. در جامعه ی ایران نیز، با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفته از دوران مشروطیت به این سو، و بخصوص در دوران پس از انقلاب، توجه به مقوله ی تربیت مدنی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. اما چون تحقق ایده های تربیتی در هر جامعه ای متضمن وجود شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب است لذا تلاش برای درک این شرایط و تأمین آنها طی برنامه هایی آموزشی از کارهای مهمی است که در راستای تربیت مدنی در ایران باید صورت گیرد.

مهمترین اصولی که می‌توانند در این راستا مورد استفاده قرار گیرند و جامعه‌ی را در عین حالی که دینی نگه می‌دارند به آرمان‌ها و ارزش‌های نوین مدنی آراسته کنند از این قرارند: اصل احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، اصل توجه به حاکمیت قانون و قانون‌مداری، اصل احترام به حقوق شهروندی، اصل توجه به مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اصل عقلانیت و استدلال، اصل توجه به مدارا و تسامح، اصل گفتگو، اصل نقد و ارزیابی و اصل توجه به کثرت‌گرایی روشی. در پایان به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی و اساسی تأکید می‌شود که این اصول با ارزش‌ها و فلسفه حاکم بر جامعه‌ی ما که یک جامعه‌ی دینی است تطابق و هماهنگی دارد و لذا سرمایه‌گذاری برای تربیت نسلی که به ارزش‌های مدنی معتقد بوده و در عمل پاسدار این ارزش‌ها باشد می‌تواند به عنوان یک توصیه‌ی دینی و آموزشی و پرورشی تلقی شود.

منابع

فارسی

- آمدی، عبدالواحد (۱۳۲۷). *غررالحکم و دررالکلم*. ترجمه‌ی محمد علی انصاری، تهران: انتشارات علمی.
- احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۴). *حقوق شهروندی. نشریه‌ی اندیشه‌ی حوزه*، سال یازدهم، شماره‌ی ششم، صص ۴۳-۵۳.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹). امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران. *مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، سال پنجم، شماره‌ی ۱، صص ۱۲۲-۱۳۴.
- پازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۵۹). *تاریخ فلسفه سیاسی*. جلد اول، تهران: قلم.
- جاویدی، طاهره (۱۳۸۵). رویکردی تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی. *نشریه‌ی مطالعات اسلامی*، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره‌ی ۷۱، صص ۲۵-۳۹.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۵). سیر تکوین فلسفی مفهوم جامعه‌ی مدنی. *مجله‌ی گفتگو*، سال اول، شماره‌ی ۱، صص ۳۴-۴۲.

- خاتمی، سید محمد (۱۳۸۷). *دیروز، امروز، و فردای ایران در آینه‌ی اصلاحات*. تهران: مؤسسه باران.
- خرمشاد، محمد (۱۳۷۶). اندیشه‌ی دینی انقلاب اسلامی و جامعه‌ی مدنی، *مجموعه مقالات اولین همایش جامعه‌ی مدنی و اندیشه‌ی دینی*، شیراز، صص ۷-۱۷.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *نهج‌البلاغه*. گردآوری سید شریف رضی، ترجمه‌ی تهران: پارسایان.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و فردانش، هاشم (۱۳۷۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران. *فصلنامه‌ی مدرس*، دانشگاه تربیت مدرس، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی اول، صص ۹۷-۱۰۸.
- صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۷۷). آموزش فلسفه به کودکان، *مجله‌ی علوم انسانی*، تهران: دانشگاه الزهراء، شماره‌ی ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۶۱-۱۸۴.
- صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۶). *میانی تربیت از نگاه امام سجاد (ع)*. اهواز: رسش.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۷۹). چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام. *مجموعه مقالات تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات عابد، صص ۴۸-۶۳.
- علم‌مداری، کاظم (۱۳۷۶). جامعه‌ی مدنی در ایران. *مجله ایران*، شماره‌ی ۲۸، صص ۲۹-۴۴.
- عنایت، حمید (۱۳۶۴). *سیاست*. تهران: سپهر.
- فتحی‌واجارگاه، کورش (۱۳۸۱). *تربیت شهروندی*. تهران: فاخر.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۸۱). *قرآن مجید*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۶). *آموزش تفکر به کودکان*. ترجمه‌ی دکتر مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.
- قاسمی‌سیانی، علی اصغر (۱۳۷۶). جامعه‌ی مدنی، فرهنگ مدنی، *مجموعه مقالات تحققی جامعه‌ی مدنی در انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، صص ۷۴۵-۷۵۳.

کاپلستون، فردریک (۱۳۶۲). *تاریخ فلسفه*. جلد ۵، ترجمه‌ی امیر جلال‌الدین اعلم، تهران: سروش.

مجلسی، محمدباقر (بی تا) سال. *بحارالانوار* ج ۱ و ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محمدی، مجید (۱۳۷۸). *جامعه‌ی مدنی ایران (بسترهای نظری و موانع)*. تهران: نشر مرکز.

میرمدرس، سید موسی (۱۳۸۰). *جامعه‌ی برین، جستاری در جامعه‌ی مدنی و جامعه‌ی دینی*. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.

لاتین

Butts, R. F. (1980). *The Revival of Civic Learning: A Rational for Citizenship Education in American Schools*. Phi Delta kappan Educational Foundation, Bloomington.

Knight, T (2000). *A Cognitive democratic Curriculum*. Curriculum Perspectives. Vol. 20, No. 3.

Kubow, p (2000). *Fostering Democracy in School Classrooms*. Washington. The social studies.

Torney, P. (1999). Civic Education In: Lewy, A. [ed]. *International Encyclopedia of Curriculum*. USA: Pergamn press.